



Deutschtrainer

واژگان

۱۹ | لغو کردن | Absagen

گاهی کار دیگری نمی‌توان کرد و آدم ناچار می‌شود قراری را به هم بزند؛ در چنین حالتی باید با واژه‌های مناسب عذرخواهی کرد.

واژگان

قرار / وقت ملاقات - **der Termin, die Termine**

من یک قرار داشتم. - **Ich hatte einen Termin.**

متأسفانه ناچارم قرار را لغو کنم. - **Ich muss den Termin leider absagen.**

متأسفانه نمی‌توانم بیایم. - **Ich kann leider nicht kommen.**

متأسفانه نمی‌رسم. - **Ich schaffe es leider nicht.**

کاری برایم پیش آمده است. - **Mir ist etwas dazwischengekommen.**

من مریض هستم. - **Ich bin krank.**

من یک قرار مهم دارم. - **Ich habe einen wichtigen Termin.**

من اتوبوس را از دست دادم. - **Ich habe den Bus verpasst.**

یک کم دیرتر می‌آیم. - **Ich komme etwas später.**

متأسفم. - **Es tut mir leid.**



Deutschtrainer

واژگان

Können wir das verschieben? - می‌توانیم این را به تعویق بیندازیم؟

Das ist schade. - حیف، افسوس!

Das macht nichts. - مسئله‌ای نیست، عیبی ندارد.

Wir machen einen neuen Termin. - یک قرار جدید می‌گذاریم.